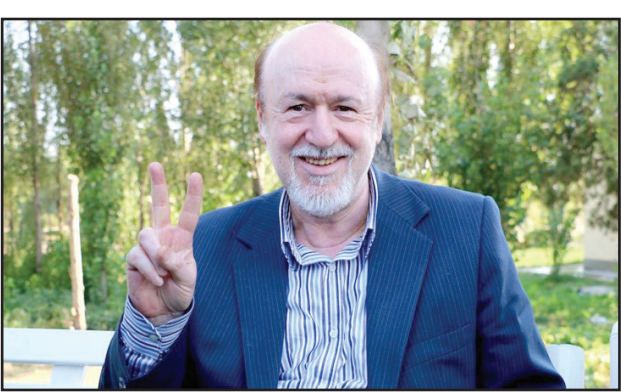




بود. ۴۸ ساعت بعد در روز جمعه این خبر اما اصلاح شد و وزارت ورزش اعلام کرد که حسنی‌خو به عنوان سرپرست انتخاب شده اما در نهایت فردای آن روز حسنی‌خو با انتشار بیانیه‌ای از این سمت کنار کشید. حسنی‌خو در بیانیه خود نوشت: «اعتقاد دارم پذیرش هر سمت مدیریتی در شرایطی که فرد یقین دارد افرادی کارآمدتر، لایق‌تر و متخصص‌تر از او می‌توانند از عهده آن مسئولیت برآیند، جفا در حق خود، مردم و کشور است. لذا همان چهارشنبه‌شب در تماس با وزیر محترم ورزش و جوانان ضمن تشکر و قدردانی بابت اعتمادشان، با ذکر دلایلم از آن مقام محترم در خواست کردم که از اینجانب سلب مسئولیت نمایند.» بدین ترتیب دوران مدیریت عجیب حسنی‌خو بیش از سه روز طول نکشید اما این مدیرعاملی حواشی بسیار داشت. برخی‌ها اعتقاد داشتند این پست برای این به حسنی‌خو هبه شده بود تا او محترمانه از سمت حراست وزارت ورزش و جوانان کنار برود. برخی دیگر اما خانواده حسنی‌خو را دلیل عدم پذیرش این پست می‌دانستند چه آنکه نسبت خانوادگی حسنی‌خو با احسان علیخانی مجری معروف و پرسپولیسی دوآتشه می‌توانست در دسرهای فراوانی را برای حسنی‌خو به همراه داشته باشد و او از همین روز پذیرش این پست سرباز زد. هر چه بود حسنی‌خو به مدت ۷۲ ساعت به عنوان مدیرعامل استقلال نامش ثبت شد اما در نهایت هرگز روی صندلی مدیریت باشگاه ننشست.



رضا افتخاری

بابرکناری افشارزاده و عدم پذیرش مدیریت استقلال توسط حسنی‌خو، محمود گودرزی که از حضور مدیر غیرفوتبالی در استقلال به شدت ناراضی بود، تصمیم گرفت تا یک مدیر فوتبالی را برای مدیریت استقلال انتخاب کند. در مرداد ۹۵ رضا افتخاری که سالیان سال در فدراسیون فوتبال سمت داشت و در کمیته فوتسال فعالیت کرده بود، به عنوان مدیرعامل جدیداستقلال انتخاب شد.

افتخاری لیگ شانزدهم را با منصوریانی شروع کرد که انتخاب افشارزاده بود اما با توجه به اتمسفر مثبت پیرامون این انتخاب با منصوریان ادامه داد. آغازنومیدکننده علی‌منصور در استقلال اما با چالش بزرگ بسته شدن پنجره نقل و انتقالاتی بدل به یک پایان فوق‌العاده شد؛ از برد در خشان در دربی و پاره شدن نوار شکست‌های متوالی استقلال مقابل پرسپولیس تا صدرنشینی مطلق در نیم فصل دوم.

بسته شدن پنجره نقل و انتقالات زمستانی استقلال که میراث برجای مانده از دوران مدیریت افشارزاده و شکایت عادل شیخی بود، بزرگترین چالش مدیریت افتخاری به شمار می‌رفت که البته بایک تدبیر جالب و استفاده از جوانان باشگاه بدل به یک فرصت بزرگ شد. با این وجود افتخاری با منصوریان عاقبت به خیر نشد و پس شکست تحقیرآمیز ۶ گله برابر العین در لیگ قهرمانان آسیا، لیگ هفدهم را با سیاق همیشگی و خرید ستاره‌های دانه درشت آغاز کرد که نتیجه‌ای در بر نداشت. سربال ناکامی‌های استقلال سبب شد تا افتخاری خیلی زود از منصوریان قطع امید کند و سراغ فرمول امتحان پس داده پرسپولیس یعنی جذب مربی خارجی برود. دوران درخشان سرخ‌ها با برانکو، افتخاری را وادار به جذب مربی خارجی کرد و انتخاب او وینفرد شفر آلمانی بود. پیرمردی با کوله‌باری از تجربه و کارنامه نسبتاً قابل قبول که در همان فصل نخست ورودش به استقلال نتیجه گرفت و توانست قهرمان جام حذفی شود. در کنار آن جذب ستاره‌های بزرگ و تأثیرگذاری چون مامه تیام و سرور جباروف شرایط استقلال را از منظر فنی ایده‌آل کرده بود اما افتخاری در فصل دوم با از دست دادن این دو ستاره و تمدید قرارداد شفر تحت فشار هواداران و با جهش سه برابری رقم قرارداد در منگنه قرار گرفت و آغاز نومیدکننده استقلال سبب شد تا افتخاری سرانجام عطای کار را به لقاییش بخشیده و از مدیرعاملی استقلال کناره‌گیری کند.

یکی از بزرگترین انتقادات به افتخاری حضور پندار توفیقی به عنوان مغز متفکر و همه‌کاره باشگاه بود که با شهوت دیده شدن و شوآف، خالق واژه بی‌مسمای «پندارتایم» در اشاره به فعالیت‌های نقل و انتقالاتی با کارگردانی توفیقی بود اما در نهایت ناکامی در تمدید قرارداد با جباروف و تیام و البته مجید حسینی و امید ابراهیمی به پای او نوشته شد تا عموپندار آبی‌هایک شبه منفور هواداران شود.

چهره در هم شکسته و بغضی که ناگهان ترکید، در روز اعلام استعفا از استقلال، تصویر ماندگار و البته تلخی بود که از افتخاری در روز کناره‌گیری ثبت شد. مدیری که در استقلال هرگز منزلتی نیافت و به رغم تصمیمات مؤثر در پاره‌ای اوقات نتوانست نظر هواداران را جلب کند و سرانجام بادی شکسته در تابستان ۹۷ از استقلال رفت.



امیرحسین فتحی

امیرحسین فتحی انتخاب غیرمنتظره وزیر ورزش برای مدیریت استقلال در تیر ماه ۹۷ بود. چهره‌ای با یک سابقه بسیار قدیمی و رنگ پریده در کمیته انضباطی

فدراسیون فوتبال که از بدو ورودش درگیر حاشیه‌های کبود و رنگارنگی شد و تا روز آخر از آن‌ها رهایی نداشت. فتحی اما با تصمیمات مشعشع و گاف پرشمار سبب شد تا همیشه در گرداب حاشیه غوطه‌ور باشد و زیر تازیانه وحشتناک انتقادات رسانه‌ها و فشار هواداران قرار بگیرد. فتحی در طول یک سال و اندی که مدیریت استقلال را بر عهده داشت، به اندازه‌ای پرحاشیه، بد و پراشتباه عمل کرد که روی افشارزاده را سفید نمود تا دیگر کسی به یاد افشارزاده و مدیریت فاجعه بارش نیفتد. مدیری که اگر نگوییم منفورترین مدیر تاریخ استقلال، بی‌تردید یکی از منفورترین‌ها در نزد هواداران استقلال است. مدیری که از روز نخست کارش را با اشتباه آغاز کرد؛ اشتباه پشت اشتباه و سرانجام با یک اشتباه نابخشودنی رفت. فتحی کار را با شفر آغاز کرد و درگیر و دار از دست دادن ستاره‌های مؤثری چون تیام و جباروف سراغ بی‌کیفیت‌هایی چون الحاجی گرو، ایسم‌ا و بویان رفت که به اندازه‌ای بی‌کیفیت بودند که حتی شفر به عنوان واسطه حضورشان، نگاه خریدارانه‌ای به آنها نداشت. در مقابل جذب چنین بی‌خاصیت‌هایی، ستارگان بزرگ و آینده داری همچون امیدنورافکن، الهییار صیادمنش، طارق مهمام، آیندا پاتوسی، سیدمهدی رحمتی و پژمان منتظری با دلخوری و بی‌تعهدی مدیران استقلال از جمع آبی‌ها جدا شدند تا خشم هواداران استقلال بیشتر و بیشتر شود. رفت و آمدهایی که بسیاری آنها را نتیجه تصمیمات خطریر می‌دانستند. بعد از ناکامی‌های نومیدکننده استقلال با شفر و شکست در برابر پدیده در لیگ هجدهم، فتحی تصمیم به برکناری وی گرفت اما برکناری وی بدل به جنجال بزرگی شد که یک آبروریزی بین‌المللی را به همراه داشت. باشگاه استقلال در یک تصمیم ناشیانه از ورود سرمربی خود به تمرینات جلوگیری کرد و شفر نیز با زندی تمام با فیلمبرداری از این اتفاق و رسانه‌ای کردن آن سبب شد تا شان باشگاه استقلال زیر سؤال برود. استقلال هفته‌های پایانی را با فراهام مجیدی ادامه داد و به رغم نتایج قابل قبول، فتحی تصمیم به استفاده از سرمربی خارجی بزرگ گرفت؛ آنچه برتافته از حضور علی‌خطیر به عنوان صحنه گردان و همه‌کاره باشگاه بود. مردی اپورتونیست که در استقلال شایعات تکان دهنده‌ای درباره او شنیده می‌شد و می‌شود. انتخاب فتحی و البته خطیر یک نام بزرگ بود؛ آندره‌آ استراماچونی مربی شیر و نامدار ایتالیایی که جذب او شاید مهم‌ترین و بهترین تصمیم مدیریتی آقای مدیرعامل در دوران حضورش در استقلال بود اما فتحی در اداره و نگهداری استرا هم ناتوان نشان داد تا مهم‌ترین مربی تاریخ استقلال بعد از انقلاب به سادگی از دست برود.

فتحی به اندازه‌ای در اداره اوضاع ناتوان بود که حتی در مسأله پیش افتاده جذب مترجم برای مربی ایتالیایی منفعل نشان داد که بدل به جنجال بزرگی در هفته نخست لیگ‌نوزدهم شد. استقلال با استراا ماخلی زود بدل به تیمی جذاب و متفاوت شد که توانست با فوتبال ته‌اجمی و مدرن خود همه را امیدوار کند اما بدقولی‌های باشگاه در پرداخت مطالبات استراماچونی سبب شد تا مربی خوش‌پوش ایتالیایی استقلال را ناگهان در نیمه راه ترک کند و به رغم همه تلاش‌ها دیگر بازنگردد. اتفاقی که برای هواداران استقلال بسیار گران تمام شد تا علیه مدیریت باشگاه دست به تجمع بزنند و همین نقطه پایان فتحی را رقم زد.

از دوران پرحاشیه مدیریت فتحی اما یک گاف بزرگ دیگر هم به یادگار مانده؛ ناکامی در پرونده نافرجام سوپر جام که فتحی با وعده‌های علی‌خطیر مدعی بود به نفع استقلال پایان خواهد یافت اما در در نهایت دستاوردی جز شکست استقلال نداشت. بعد از عدم حضور استقلال در سوپر جام فصل گذشته بود که کمیته انضباطی رأی به برد ۳–۰ صفر پرسپولیس داد اما فتحی چند روز بعد از آغاز کارش در این باشگاه در اقدامی عجیب و شتاب‌زده با نپذیرفتن رأی کمیته انضباطی و بعد از آن استیناف، با اصرار خطیر پرونده را به CAS فرستاد تا این پرونده پرهزینه در سوییس و عالی‌ترین دادگاه ورزشی به جریان بیفتد و بعد از گذشت چند ماه مشخص شود که تمامی این تلاش‌ها و هزینه‌هایی فایده و وعده‌های فتحی و دیگر مدیران استقلال هم درباره این پرونده کاملاً توخالی بوده است. لو رفتن قراردادهای بازیکنان و کادر فنی استقلال و انتشار وسیع در رسانه‌ها از دیگر حاشیه‌های کبود دوران مدیریت فتحی در استقلال بود که با صحنه‌گردانی خطیر انجام شد و البته جنجال بزرگی به همراه داشت.

سرانجام فتحی در آذر ۹۸ از سمت خود کنار رفت تا دوران پرحاشیه‌ترین و منفورترین مدیر استقلال اینگونه به پایان برسد. البته او به پاس شاهکاری که در استقلال زده بود، بیکار نماند و بلافاصله مدیریت مجموعه ورزشی انقلاب به وی اهدا شد تا بدین ترتیب از زحمات شایان توجهش در استقلال قدردانی شود!



اسماعیل خلیل‌زاده

بعد از برکناری فتحی و در بحبوحه جدایی استراماچونی و با توجه به شرایط ویژه‌ای که در باشگاه استقلال حاکم بود، فرصتی برای انتخاب مدیرعامل جدید وجود نداشت، بنابراین اسماعیل خلیل‌زاده به عنوان رئیس هیأت مدیره در آذرماه به عنوان سرپرست باشگاه انتخاب شد تا مأمور بازگرداندن سرمربی شود. کسی که مهم‌ترین سمت زندگی‌اش مدیریت یک هتل بوده و البته برای سپردن تیم شهر زادگاهش نیز به او اعتماد نکردند اما ناگهان به طرز خلق الساعه‌ای همه‌کاره یکی از مهم‌ترین باشگاه‌های آسیا شد! آقای سرپرست بلافاصله به ترکیه رفت تا بلکه بتواند مربی ایتالیایی را بازگرداند. همو که صبح همان روز دریافت حکم سرپرستی مشغول مصاحبه علیه سرمربی ایتالیایی بود، حالا مأموریت یافته بود که سرمربی ناراضی استقلال را راضی به بازگشت کند. مأموریتی که از ابتدا مشخص بود فرجامی نخواهد داشت. خلیل‌زاده بعد از سفر بی‌نتیجه ترکیه، با تشکیل یک تیم عجیب به دبی رفت تا با مدیر برنامه‌های استراماچونی مذاکره کند اما استرا و مدیر برنامه‌هایش حتی حاضر نشدند تا تیم مذاکره استقلال را ملاقات کنند تا در نهایت مأموریت خلیل‌زاده به سرانجام نرسد.

خلیل‌زاده در بدو قبول مسئولیت قول بازگشت استراماچونی را داد، پس از

پرداخت پول وی در یک چرخش عجیب سراغ دی بیاسی رفت و در نهایت فرهاد مجیدی را انتخاب کرد! پس از انتخاب مجیدی، وزارت ورزش تصمیم گرفت عبدالرضا موسوی به عنوان یک چهره اقتصادی را به ترکیب باشگاه استقلال اضافه کند تا او بتواند از حساب شخصی‌اش مشکلات مالی آبی‌ها را حل کند. با این حال حضور موسوی پرحاشیه بود و این عضو جدید که تنها به واسطه شرایط مالی به استقلال اضافه شده بود، در چند مقطع برای این تیم حاشیه ساخت و در نهایت هم استعفا داد. در نهایت دوران کوتاه خلیل‌زاده نیز در اسفند خاتمه یافت. دورانی که هیچ آورده‌ای برای استقلال نداشت.



علی فتح‌الله‌زاده

در بحبوحه حضور خلیل‌زاده و درگیر و دار مذاکره با استراماچونی، وزارت ورزش و جوانان علی‌فتح‌الله‌زاده را نیز به ترکیب هیأت مدیره استقلال اضافه کرد. مردی که ماه‌ها و سال‌ها به دنبال بازگشت دوباره به استقلال بود و سرانجام در عمق بحران نیمکت استقلال توانست به آرزوی خود برسد! فتح‌الله‌زاده البته مدعی بود که تنها در صورتی به استقلال بازمی‌گردد که مدیرعامل باشد اما به دلیل مشکل بازنشستگی نمی‌توانست مدیرعامل شود. فتح‌الله‌زاده در واکنش به عدم صدور حکم مدیریتش دوباره به شکل نمایشی از هیأت مدیره استقلال استعفا داد تا سرانجام وزارت ورزش و جوانان حکم سرپرستی او را در ۷ اسفندماه برای او صادر کند تا فتح‌الله‌زاده برای بار چهارم و این بار در قامت سرپرست روی صندلی مدیریت استقلال بنشیند. فتح‌الله‌زاده البته به سبک همیشه وعده‌های بزرگی داد که مهم‌ترین آنها بازگشت استراماچونی بود. وعده‌ای که خود شوالیه هم می‌دانست توخالی است و ضمانت اجرایی ندارد اما او هم نتوانست کمکی به بازگشت استراماچونی کند و بعدتر با مصاحبه علیه او و انتشار شروطش باعث خشم سرمربی ایتالیایی شد. دولت فتح‌الله‌زاده اما مستعجل بود و کمتر از یک ماه طول کشید چرا که استقلال در سیاهچاله مشکلاتی اسیر بود که حتی با شوآف و وعید و وعیدهای رنگارنگ آقای سرپرست نیز از آن خارج نمی‌شد. عدم پرداخت مطالبات بازیکنان و مربیان خارجی، کوه بدهی‌ها، خطر بسته شدن پنجره نقل و انتقالات یا حتی کسر امتیاز و جرائم دیگر مشکلاتی نبود که آقای سرپرست از پس آنها بتواند بربیاید. دیگر کار مثل گذشته نبود که او راحت بتواند با بازیکن و مربی صحبت کرده، وعده بدهد و آنها را متقاعد کند. در کنار این مسائل، فتح‌الله‌زاده دچار بیماری کرونا شد تا عمر مدیریت دوباره‌اش در استقلال کمتر از سه هفته دوام داشته باشد. مشکلات عدیده استقلال و بدهی‌های زیاد آنچنان فتح‌الله‌زاده را تحت فشار گذاشته بود که او چاره‌ای جز استعفا نداشت. او که دو بار در قامت عضو هیأت مدیره استعفا کرده بود، با استعفا از سرپرستی باشگاه، در این زمینه هت‌تریک کرد تا با سه استعفا پس از سه هفته بدون هیچ دستاوردی ترجیح بدهد تا از استقلال کناره‌گیری کرده و ائثری‌اش را معطوف مبارزه با کرونا کند!



احمد سعادت‌مند

احمد سعادت‌مند در تعطیلات نوروز حکم مدیریت خود را از استقلال گرفت. مردی که سال‌های سال به دنبال ریاست بر یک مجموعه ورزشی از فدراسیون گرفته تا باشگاه بود و پس از چند بار امتحان کردن شانس خود در انتخابات فدراسیون‌های ورزشی با حکم مدیرعاملی استقلال در ۱۰ فروردین به این آرزو رسید. ریاست هیأت کوهنوردی استان مازندران، معاون تربیت‌بدنی مازندران، مدیرعامل نساجی، مدیر ورزش و جوانان استان مازندران و مدیرعاملی بانک سرمایه از جمله تجارب مدیریتی اوست. سعادت‌مند، تا به امروز حضور در فدراسیون‌های مختلفی را تجربه کرده. او در فدراسیون‌های پینگ‌پنگ و اسکی سرپرستی کرده و در فدراسیون‌های هندبال، وزنه‌برداری، نجات غریق و والیبال کاندیدای ریاست بوده که البته هیچ توفیقی نداشته. او همچنین مدیرکل دفتر استعدادیابی وزارت ورزش و جوانان بوده. سعادت‌مند برای بار دوم حضور در استقلال را تجربه می‌کند. او پیش از این در بهمن سال ۹۷ به عنوان رئیس هیأت مدیره باشگاه استقلال انتخاب شده بود اما بیشتر از ۴ ماه دوام نیاورد و استعفا‌ی خود را به وزیر ورزش و جوانان اعلام کرد. او در توجیه استعفا‌ی خود گفته بود: بیش از یک ماه است که از استقلال استعفا دادم و با وجود مخالفت مسعود سلطانی‌فر با استعفا‌ی من، احساس کردم وقتی نمی‌توانم قدمی برای هواداران بردارم بهتر است که بیرون باشم و از استقلال جدا شوم. حالا او دوباره در قامت مدیرعامل بازگشته و باید دید که دوره جدید فعالیت او در استقلال چند ماه خواهد بود و تجربه نافرجام قبلی در هیأت مدیره تکرار خواهد شد یا خیر. سعادت‌مند البته در استقلال کار دشواری پیش رو دارد و مهم‌ترین چالش او حل مشکلات مالی و بدهی‌های ریز و درشت داخلی و خارجی است که می‌تواند استقلال را با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو کند.